

## درباره نویسنده توسط تونی و امیلی نولان سیدنی، استرالیا

خواننده عزیزم باید به شما اعتراف کنیم که این سخت ترین قطعه بیوگرافی است که تاکنون نوشتیم. این کتابی درباره قهرمانان پارسی است. ایرانیانی که زندگی آنها بیش از آنچه انتظار می رود به ایران و جهان بطور کلی کمک کرده باشند. در حقیقت ، اگر این افراد هرگز زندگی نمی کردند ، دنیای ما فرق می کرد. آنچه این ترکیب را ایجاد می کند این است که قهرمانان به طور کلی با گذشته در ارتباط هستند. ما تمایل نداریم که قهرمانان امروزی را از نظر شخصیت های تاریخی باور نداشته باشیم ، زیرا نوعی افسانه ، عنصر عرفانی وجود دارد و بگذارید بگوییم اغراق در مورد آنها. حتی تحقیق درباره محمد برای این قطعه نیز دشوار و پیچیده است. در سال 1999 ، من تونی نولان ، اولین بار در سیدنی استرالیا با محمد آشنا شدم. با این حال ، من اولین بار در اواخر سال 1998 و پس از معرفی لطفی زاده با یکدیگر ، محمد را از طریق ایمیل عملاً شناختم.

بنابراین ، بیابید مشکل من در مورد یک مقاله بیوگرافی درباره محمد جمشیدی را مرور کنیم. من قصد دارم با پرداختن به سه نقطه نظر ، دیدگاه خودم را در مورد قهرمان بودن توجیه کنم.

1. اینکه او یک شخصیت داستانی نیست. در واقع یک محمد جمشیدی وجود دارد که از همان آغاز دشوار با سختی ها قیام کرده و راه خود را در جهان باز کرده است.

2. اینکه او برای ایجاد زندگی بهتر برای خود و خانواده اش از شانس های تقریباً غیرممکن بالا رفته است. که از طریق یک فرد باهوش و زیرک ، راه خود را در جهان باز کرده و به اوج حرفه خود رسیده است.

3. اینکه در طول زندگی خود تاکنون ، خودخواه نبوده است. در واقع ، این کاملاً بر عکس است. او از خودگذشتگی بسیار زیادی داشته است ، به طوری که در واقع خود را در معرض خطر قرار داده است ، از نظر مالی ، اعتبار و جسمی ، برای کمک به دیگران در مسیر زندگی خود نیز.

اولین شاهد من این است که واقعاً شخصی به نام محمد جمشیدی وجود دارد. محمد جمشیدی در 20 اردیبهشت 1323 در شیراز ، ایران از حبیب و محترم (کبری) جمشیدی متولد شد. وی آخرین فرزندی بود که در خانواده ای ده فرزند به دنیا آمد. برادرانش حسین ، حسن ، احمد ، محمود ، ابوالقاسم و پروین دخت ، مهین دخت ، پوران دخت ، و گیتی. حبیب ، پدر محمد ، یک بازرگان و صاحبخانه بسیار موفق بود که در اوایل سال 1323 ، یعنی حدود 5 ماه قبل از تولد محمد ، به طرز دلخراشی درگذشت. کبری در سن 35 سالگی ، خود را با محمد باردار کرد ، همراه با بسیاری از کودکان بیمار از حبیب ، که نه تنها با مرگ شوهرش ، بلکه مادرش چهل روز بعد نیز کنار آمد. هنوز با این همه غم و اندوه ، سختی ها و کشمکش ها ، زایمان کرد و او را به نام حضرت محمد (ص) نامید ، زیرا او نیز پدرش را قبل از تولد از دست داد.

محمد در پاییز سال 1329 به دبستان به نام سلطانی رفت و در سال 1334 وارد دبیرستان سلطانی شد و کلاس 11 را در شیراز به پایان رساند. وی برای کلاس دوازدهم خود برای تحصیل در دبیرستان شماره 1 هدف (یکی از برترین مدارس خصوصی در ایران) به تهران رفت. وی در مه 1340 از مدرسه هدف فارغ التحصیل شد. حتی اگر فرصت های زیادی برای ورود به دانشگاه های برتر ایران داشت ، او تصمیم گرفت که در اوایل سال 1342 به ایالات متحده آمریکا برود.

وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکترا و فوق دکترا در ایالات متحده آمریکا ، در پاییز سال 1350 به شیراز بازگشت و مسئولیت استادیاری را در دانشگاه پهلوی (شیراز فعلی) به عهده گرفت. در این دوره بود که او با بانوی جوانی ژیل سالاری که دانشجوی 3 اقتصاد در همان مدرسه بود آشنا شد. آنها اکنون 47 سال ازدواج کرده و دارای دو فرزند بزرگسال به نامهای آوا جمشیدی و پسر نیما جمشیدی هستند.

دلیل دوم من برای اثبات واقعی بودن محمد ، دامنه وسیع دستاوردهای وی در زندگی حرفه ای و شغلی وی است.

محمد دارای مدرک دانشگاهی در مهارت انگلیسی ، مهندسی برق BS ، مهندسی برق کارشناسی ارشد ، Ph.D. مهندسی برق ، فلوشیپ فوق دکترا ، مدرک دکترای افتخاری ، دکتر مهندسی. درجه افتخاری

محمد به طور تمام وقت یا نیمه وقت در 11 دانشگاه آسیا ، اروپا ، خاورمیانه ، استرالیا و ایالات متحده آمریکا استخدام شده است. محمد همچنین در مشاوره یا قانون بین شخصی یا کارمند ویژه دولت در ناسا ، متحده **وزارت انرژی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در بلژیک** ، IBM ، زیمنس و جنرال موتورز کار کرده است.

محمد 76 کتاب (12 کتاب درسی) در دست چاپ و 830 اثر منتشر شده دارد. محمد همچنین در بسیاری از سخنرانی ها ، با ارائه بسیاری از سخنرانی های کنفرانس ، سخنرانی های اصلی و بیش از دوازده سخنرانی چندرسانه ای ، سخنرانی کرده است. محمد مطالب آموزشی در تمام قاره ها ارائه داده و در بیش از 20 دانشگاه سخنرانی کرده است. محمد بیش از 50 موضوع مختلف را تحقیق و تولید کرده است.

برخی از مناطق مورد علاقه محمد عبارتند از:

تجزیه و تحلیل ، کنترل خودکار ، داده های بزرگ ، مدیریت بازرگانی ، پیچیدگی ، محاسبات ، علوم تصمیم گیری ، مهندسی ، الکترونیک ، منطق فازی ، سیستم های پیچیده در مقیاس بزرگ ، سیستم های خطی ، ساخت ، مکاترونیک ، مدل سازی ، انرژی هسته ای ، بهینه سازی ، تاریخ فارسی ، شعر فارسی ، مدیریت پروژه ، رباتیک ، فناوری فضایی ، سیستم های پیچیده مهندسی سیستم ، هوش مصنوعی ، یادگیری ماشین و غیره

این عناوین به موارد زیر اعمال می شود:

اکتشاف ، ساخت ، راهنمایی ، آلودگی ، تولید نیرو ، آموزش ، تصفیه آب و هوا ، دسته های رباتیک ، سیستم های متولد هوا ، تلسکوپ های فضایی ، نمک زدایی آب ، انرژی خورشیدی و بادی ، مدیریت منابع آب ، پیش بینی انرژی های تجدیدپذیر و غیره

فعالیت های Mo در این زمینه های موضوعی صرفاً به یک رویکرد منفعلانه فقط خواندن محدود نمی شود ، محمد رویکرد فعال اگر نه پرخاشگرانه ای برای تلاش در درک کل هر موضوعی است که به آن علاقه دارد. در 4 منطقه مختلف قرار می گیرند.

- 1- چگونگی کارکرد چیزها (قطعات / عناصر تشکیل دهنده کالا چیست) ،
- 2- چگونه با هم مطابقت دارند (چگونه به هم متصل می شوند ، و علت و معلول چیست) ،
- 3- از کجا می توان استفاده کرد (چگونه می توان از این یافته ها در دنیای واقعی استفاده کرد) ،
- 4- اشتراک اطلاعات (گفتن و آموزش افراد در مورد مزایا و چگونگی نحوه کار).

برای هر یک از این مناطق موضوعات زیر وجود دارد:

1. جنبه فیزیکی (ساخت آنها) ،
  2. جنبه عملی و کاربردی (کارایی آنها) ،
  3. جنبه نظری (طراحی آنها) ،
  4. جنبه آموزشی (گفتن و راهنمایی دیگران در مورد آنها) ،
  5. طرف چرا (دلیل انجام آن چیست).
- محمد مهارت ها و شایستگی های خود را در تولید یک محصول با کیفیت اعمال می کند.

1. ریاضیات
2. نوشتن
3. طراحی
4. حل مسئله
5. تفکر انتقادی
6. تحقیق و تحقیق

7. علت و معلول

8. آموزش و راهنمایی

بخش سوم توصیف من از محمد به عنوان یک ابرقهرمان باستانی در دنیای مدرن ما واقعاً مربوط به سخاوت و خودخواهی در نحوه برخورد او با دیگران است. در مصاحبه با محمد ، او از کودکی خود و اینکه چگونه روزانه یک سکه برای خرید مقداری غذا (چیزی که ما آن را پول تاک فروشی می نامیم) که برای خرید ناهار خود بود ، می گوید. چگونه در مواردی ، او آن را به گدایی که در راه رفتن به مدرسه با او دوست شده بود اهدا می کرد. محمد نیز بسیار دوستانه رفتار می کرد و اغلب به روحیه دادن به همکلاسی های خود در مواقع دشوار کمک می کرد. به نظر می رسد محمد با ثروتمندان و فقرا دوست شده است و همیشه با آنها رفتاری برابر دارد. مواردی وجود داشته است که محمد به شهر خود ، شیراز (با از جایی که در آمریکا زندگی می کند) بازگشت ، وقت خود را صرف کرد و منابع خود را برای توسعه امکانات آموزشی و پزشکی برای افراد بسیار نیازمند در مناطق محروم روستایی اهدا کرد. وی همچنین بورس های وقفی در ایالت اورگن (اولین دانشگاه) وی ، دانشگاه تگزاس (آخرین محل کار علمی وی) و همچنین بورس تحصیلی ملی آمریکا به نام بورس تحصیلی جمشیدی-زاده برای دانشجویان ایرانی در آمریکا ایجاد کرده است. اگر برنامه **روزمه** محمد را بخوانید ، پروژه های زیادی پیدا خواهید کرد که اعتبار وی را در بسیاری از زمینه ها افزایش می دهد. محمد برای ساخت یک کلینیک پزشکی در خارج از شیراز ، که به بیش از 35000 نفر از ساکنان روستاهای اطراف خدمات ارائه می دهد ، میلیون ها تومان (واحد پول ایران) را تأمین کرده است. با این حال ، پروژه های کوچکتر زیادی نیز وجود دارد ، از جمله ساخت یک دبیرستان در سیستان بلوچستان (یکی از محروم ترین مناطق ایران). آنهایی که شما نگاه دوم به آنها نمی اندازید ، زیرا آنها حرفه شما را پیشرفت نمی دهند. کسانی مانند کمک به تبدیل آب کثیف به تمیز کردن آب آشامیدنی در صحرای آفریقا هستند. پروژه هایی که به افراد فقیرتر یا مناطق فراموش شده دنیا کمک می کند تا اینکه پول زیادی برای شرکت ها ، حق ثبت اختراع و غیره بدست آورد. اخیراً برای یک رویداد مهم ، بسیاری از دانشجویان محمد حمایت خود را نوشتند و فراتر از کار یک سرپرست ، معلم یا مربی. محمد برای همیشه مشاوری می دهد ، نام خود را به او وام می دهد و به تحقیق کمک می کند ، و از تلاش های جدید در فن آوری های نوظهور حمایت می کند.

در سال 1374 ، محمد در راس برنامه مهندسی کنترل مستقل (**مهندسی کنترل خودکار**) ناسا در دانشگاه نیومکزیکو بود. در 5 سال اول بیش از 50 دانشجوی اقلیت فارغ التحصیل شدند ، بسیاری از آنها موفقیت ها و دستاوردهایی را که امروز از کارهای پیشگام ناسا می شناسیم به ارمان آوردند.

او به اقلیت های قومی آمریکایی در بالاترین سطح آموزش مهندسی با بیش از 120 کارشناسی ارشد و دکترا در میان این گروه ها کمک کرده است. در مقاله ای از مجله "محمد جمشیدی - متفکر بزرگ یا قلب بزرگ" از محمد نقل شده است که می گوید: "من همیشه قلم را به روی اقلیت ها باز می کنم زیرا می دانم آنها در حال مبارزه هستند و من خودم این مبارزه را احساس کرده ام."

*Outlook on Hispanic Education, 01/09/2006, page 19.*

حتی در حال حاضر طی 19 بار Covid-19 ، او وقت خود را برای کمک به اتحاد سازمان های تحقیقاتی هوش مصنوعی برای کمک به استفاده از هوش مصنوعی برای پیشبرد جنگ برای نجات سیاره ما اختصاص می دهد.

در سال 2006 ، محمد و همسرش ژیل به سن آنتونیو تگزاس نقل مکان کردند ، جایی که محمد در دانشگاه تگزاس در سن آنتونیو استادی معتبر ریاست موقوفه را دریافت کرد. محمد که 77 ساله است و مشغول نوشتن این بخش زندگی نامه است ، هنوز هم در پیگیری همه علائق و فعالیت های خود و پیروی از علاقه رانندگی خود برای اطلاع رسانی ، تغییر و هدایت جامعه جهانی به سمت آینده بهتر فعال است. وقتی از محمد پرسیدم که برای 5 سال آینده چه برنامه ای داری ، او با این پاسخ داد ، "به کمک و مربیگری دانشجویان ادامه دهید ، تاریخ علم را در فرهنگ های مختلف در سراسر جهان مطالعه کنید و در هاوایی استراحت کنید!"

اما دستاوردهای محمد در اینجا متوقف نشد ، زیرا وی با گذشت زمان دیگران را ترغیب به دنبال کردن در راه خود کرده است. افرادی مانند لطفی زاده ، ولادیک کرینوویچ ، محمد منصور ، جیم تین ، جورو زریلیچ ، جونکو یوه ، مسعود نیکراوش و ...

در بستن این قطعه از خوانندگان عزیز ، امیدواریم که به شما ثابت کرده باشیم که استاد محمد جمشیدی واقعاً یک فرد واقعی و خاص است ، بیش از اکثر مردم به موفقیت رسیده است و هنوز هم در ایجاد یک مکان امن جهان نقش دارد. در واقع او یک قهرمان بزرگ ، یک ایرانی بزرگ ، و یک دوست و مربی برای بسیاری است.

## نویسندگان

تونی و امیلی نولان در سیدنی استرالیا زندگی می کنند و صاحب دو فرزند Ryley (10) و Flynn (7) هستند. تونی و امیلی با همدیگر Symbiotic Relativity، HyperPanoFiction را تولید کرده اند و چندین کتاب را با هم تألیف کرده اند. آنها همچنین در حال تحقیق روی گیمیفیکیشن و طراحی بازی هستند.

## تونی نولان

تونی ریاضی دان داده، آینده نگر، پروفایل ساز، مخترع، نوازنده، هنرمند و نویسنده است. او همچنین با اسب کار می کند، چندین ورزش انجام می دهد، به خدا ایمان دارد و از جوامع محلی خود حمایت می کند. تونی در یک آزمون ضریب هوشی نمره عالی کسب کرد و برای خدمات به جامعه استرالیا مدال سفارش استرالیا را دریافت کرد. تونی دارای نژاد مختلط است که شامل استرالیایی، انگلیسی، دالمیایی، ایرلندی، پارسی و اسکاتلندیایی است.

تحقیق و اختراع تونی در زمینه های زندگی مصنوعی، نجوم، شناخت، علوم تصمیم گیری، منطق فازی، ریاضی فاصله ای، تجزیه و تحلیل شکاف، ریاضیات، مدل سازی پیش بینی، فراکسیون های کوازی، پروفایل، نسبیت، سیستم سیستم ها، تجزیه و تحلیل سنتی، تجزیه و تحلیل متن، زمان و نوشتن

تونی ریاضیات Nolan را اختراع کرده است، که یک جایجایی محور است، که به شما اجازه می دهد خصوصیات باینری را روی عدد فاصله و نسبت اعمال کنید. یک هش دیجیتال (تغییر شکل کسینوس گسسته). یک سیستم پنهان سازی پیام متنی، یک مدل ارتباط متقابل اشیا Un جهانی، CogKnowlogy، هایپر انیانومتریک، منطق فازی عمیق (منطق فازی بصورت رسمی D3) و سیستم واقعیت شکاف سیستم. و یک ابزار پیش بینی سری زمان منطقی فازی نسبی.

## امیلی نولان

امیلی در حال حاضر یک مدیر امور مالی در نیروی پلیس استان NSW است. او سابقه نوشتن، موسیقی، اسب سواری، نشر و طراحی گرافیک را دارد. در سال 2008، وی زندگینامه ای درباره پدرش را منتشر کرد با عنوان، باخ به خدا. امیلی به عنوان طراح گرافیک، روزنامه نگار، افسر رابط رسانه و طراح وب سایت کار کرده است. امیلی همچنین دارای مدرک لیسانس هنر در رشته ارتباطات (گرایش نوشتن و فرهنگ های معاصر)، دیپلم پیشرفته در طراحی گرافیک و گواهی IV در حسابداری است. امیلی دارای طیف وسیعی از علایق مانند معماری، نجوم، فرهنگ، مهندسی، ریاضیات، فیزیک، فلسفه، املاک و مستغلات، رباتیک، داستان های علمی است و برنامه هایی برای سفر به دنیا دارد.



یش گفتار